

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده
و نه آنطوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

(16)

توطئه بزرگ

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب یکم : انقلاب و ضد انقلاب

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بخش ششم

5 - نبرد خاور

بر اساس طرح اصلی مداخله گران ، قرار بر این بود که در همان هنگامی که دنیکن از سوی
جنوب به سوی مسکو میتازد ، کالچاک نیز شهر را از سوی خاور محاصره نماید . اما وقایع
سیری متفاوت را طی نمود

در طی بهار و آغاز تابستان 1919 ، روزنامه ها در پاریس ، لندن و نیویورک مرتباً گزارشات
مفصل راجع به شکستهای فاحش ارتش سرخ بدست آدمیرال کالچاک نقل میکردند .

پاره ای از این سر نوشته ها در نیویورک تایمز به این شکل بوده است :

" 26 مارس . کالچاک در تعقیب ارتش درهم شکسته سرخ است .

20 آوریل . سرخها در شرق درهم شکسته شده اند .

22 آوریل . سرخها از پیروزی کالچاک در سرگیجه اند .

15 مه . نقشه کالچاک بسوی مسکو متوجه است . "

اما در روز 11 اوت ، تایمز پیامی را نقل کرد که از واشنگتن دریافت شده بود .

" بنا به اظهارات امشب مقامات دولتی ، زمان آن رسیده که مردم ضد بلشویک جهان را برای مقابله
با مصیبتی عظیم که امکان دارد برای رژیم کالچاک در سیبری غربی پیش آید ، آماده نمود " .

در اواسط تابستان بود که آدمیرال کالچاک در مقابل حملات کوبنده ارتش سرخ ، نومیدانه راه فرار
را در پیش گرفت . در عین حال سربازان وی مورد تهدید بی وقفه جنبش گسترده و رو برشد

پارتیزانی در پشت سر بودند . در ماه نوامبر کالچاک پایتخت خود را در امسک تخلیه نمود . نفرات
او در یونیفرمهای پاره پاره و چکمه های مندرس به سنگینی در طول جاده های خارج از امسک

گام برمیداشتند . هزاران نفر از آنان از این رژه مفلوکانه و بی سرانجام ، در برفهای کنار جاده جان
سپردند . خطوط آهن امسک بوسیله لکوموتیوهای درهم شکسته و قراضه مسدود شده بود . ناظری

چنین نوشت . " مرده ها روی خطوط انداخته شده بودند تا بپوسند " .

روز 24 دسامبر 1919 ، مردم ایرکوتسک سر به طغیان برداشته و حکومتی شوروی تاسیس و
کالچاک را دستگیر نمودند . همراه با او گنجینه عظیمی که وی با ترن مخصوص حمل میکرد به

دست مردم افتاد : 5143 جعبه و 1680 کیسه مملو از شمشهای طلا و اشیا گرانبها بارزش
تخمینی 150 500 000 روبل .

آدمیرال کالچاک سپس توسط دولت شوروی دادگاهی شده و به عنوان یک خائن محکوم گردید .
وی در دادگاه گفت :

" وقتی که یک کشتی غرق میشود ، با تمام افرادش غرق میشود "

و به تلخی تاکید کرد که " عناصر خارجی " بوی خیانت کرده و وی را در وحله بحران رها
نموده اند

دادگاه کالجاک را به مرگ محکوم نمود. وی در هفت فوریه تیرباران گردید. عده ای از دستیاران کالجاک بسوی ژاپنی ها گریختند. یکی از آنان به نام ژنرال باکیچ آخرین پیام خود را باین مضمون به کنسول سفید در اورگا در مغولستان فرستاد:

" من تحت تعقیب یهودیان و کمونیست ها از مرز گذشتم! "

6 - لهستانی ها و ژنرال ورانگل

مداخله گران انگلیس و فرانسوی ، علیرغم شکستهای فاحشی که با آن روبرو شدند ، دو تعرض دیگر را بر علیه روسیه شوروی باختری ، سازمان دادند .

در ماه آوریل 1920 ، لهستانیها با داعیه تصرف سرزمینهای غرب اوکراین و اشغال شهر روسی سمولنسک حمله خود را از جانب غرب آغاز نمودند . اینان که سخاوتمندانه با ابزار های جنگی فرانسوی و انگلیسی تامین و از وامی به مبلغ 50 میلیون دلار از جانب ایالات متحده برخوردار بودند (1) ، بسوی اوکراین تاخته و کیف را به تصرف خود درآوردند .

در کیف آنان توسط ارتش سرخ متوقف و سپس به عقب رانده شدند .

لهستانیها در برخورد با قدرت و کارایی ارتش سرخ ، سراسیمه رو به گریز نهادند . تا قبل از ماه اوت ، ارتش سرخ به دروازه های ورشو و لووف رسید .

دول متفق وامها و تامینات در اختیار لهستانیها نهادند . مارشال فوش سراسیمه ، رئیس ستاد خود ژنرال ماکسیم ویگان را برای هدایت عملیات لهستانیها اعزام نمود . تانگها و هواپیما های انگلیس به شتاب بسوی ورشو فرستاده شدند .

در این هنگام تروپهای سرخ تحت فرماندهی ژنرال توخاچفسکی و کمیسر جنگ لف ترنسکی ، خطوط ارتباطی خود را بطرز خطرناکی گسترش داده بودند . و در نتیجه این اقدام خود در تنگنا گرفتار شده بودند چراکه اکنون ضد حمله لهستانیها آنان را در تمام طول سرحدات به عقب میراند . بر اساس قرارداد صلح ریگا ، دولت شوروی مجبور شد بخشهای باختری روسیه سفید و اوکراین را به لهستان واگذار نماید

صلح با لهستان دست ارتش سرخ را برای تصفیه حساب با بارون ورانگل که بجای ژنرال دنیکن فرماندهی کل قوای سفید در جنوب را در دست گرفته و تحت حمایت فرانسویها در جهت شمال از کریمه به سوی اوکراین تاخته بود ، باز گزارد .

در زمستان 1920 ، ورانگل به طرف کریمه رانده شده و توسط نیروهای سرخ تحت فشار قرار گرفت . در ماه نوامبر ، ارتش سرخ به پرکوپ یورش و به کریمه وارد و ارتش ورانگل را بسوی دریا راند .

7 - آخرین بازمانده

با اضمحلال ارتش ورانگل و خاتمه مداخله در غرب ، تنها ارتش خارجی به جا مانده در خاک روسیه ، ارتش امپراطوری ژاپن بود . گویا مقدر شده بود که سیبری با تمام ثروتهایش به چنگ ژاپنها بیفتد . ژنرال بارون تاناکا ، وزیر جنگ و رئیس سازمان اطلاعات نظامی ژاپن غرقه در شادی بود :

" میهن پرستی روسی با ظهور انقلاب خاموش گردیده است . چه بهتر که شورویها توسط قوای خارجی کافی منکوب شوند " .

ژاپن هنوز از بیش از 70000 هزار نیرو در سیبری و صدها مامور مخفی ، جاسوس ، خرابکار و تروریست برخوردار بود . گاردهای سفید در خاور دور روسیه به عملیات خویش تحت نظر

سرفرماندهی نظامی ژاپن ، ادامه میدادند . مهمترین این نیروهای ضد شوروی ارتش راهزنانی بود که زیر رهبری آتامان سمیونوف ، قزاق وابسته به ژاپن قرار داشت .

اگر چه فشار امریکا ژاپن را به احتیاط وادار میکرد ، اما در روز 8 ژوئن 1921 ، ژاپن با قراردادی سری با آتامان سمیونوف در ولادی وستک امضاء نمودند که در آن یک تعرض سراسری جدید علیه دولت شوروی در دستور کار بود . قرارداد مزبور تلویحا مطرح میکرد که پس از امحاء شورویها ، آتامان سمیونوف قدرت کامل را در امور غیر نظامی بدست خواهد گرفت . این قرارداد مخفی اضافه میکرد که :

" پس از برپایی یک قدرت دولتی پا برجا در خاور دور ، شهروندان ژاپنی ، برای دریافت امتیازات برای شکار ، ماهیگیری و جنگلداری از مزایای بیشتری برخوردار خواهند بود به همین ترتیب به منظور توسعه استخراج معادن و نیز استخراج طلا " .

یکی از دستیاران اصلی سمیونوف بنام بارون اونگرن- شترنبرگ ، نقش اصلی در عملیات نظامی پیش بینی شده را اتخاذ نمود .

ژنرال بارون رمان فن اونگرن- شترنبرگ ، آریستوکراتی از ناحیه بالتیک ، رنگ پریده ، دارای موهایی بور و سیبل سرخ و رفتاری زنانه بود . در جوانی به ارتش تزار وارد شده و در سال 1905 علیه ژاپن جنگیده و به دنبال آن به هنگ پلیس قزاق در سیبری پیوسته بود . وی در طی جنگ جهانی اول ، در نیروهای ورنانگل خدمت میکرد و مدال صلیب سنت گئورگ را بخاطر کارایی در نبرد جبهه جنوبی دریافت نمود . این شخص در میان افسران همکارش از لحاظ جرات دیوانه وار ، ستمگری وحشیانه و خشونت غیر قابل کنترلش معروف بود .

پس از انقلاب ، بارون اونگرن به سیبری بازگشته و رهبری هنگ قزاقی را بدست گرفته بود که روستاهای را غارت و به جنگهای پراکنده بر علیه شوراهای محلی دست میزد . سرانجام ماموران ژاپنی با وی تماس گرفته و وی را به حرکت به سمت مغولستان متقاعد نمودند . ارتش ناهمگونی از افسران سفید ، تروپهای چینی ، افسران سفید ضد شوروی ، راهزنان مغول و عمال مخفی ژاپنی ، در اختیار وی گذارده شد . اونگرن در فضای فنودالی زندگی راهزنان و شیوه رهبری مطلق العنان در ستاد خود در اورگا به این توهم دچار گردید که مرد سرنوشت است . او با یک شاهزاده مغول ازدواج و از هینت غربی بدر آمد و جامه زرد ابریشمین مغول بتن نمود و خود را بازگشت به حیات دوباره چنگیزخان ، قلمداد نمود . با تلقینات ماموران ژاپن که همواره وی را در احاطه داشتند ، خود را در رویاهایش ، امپراطوریک نظام نوین جهانی میدید که از شرق سر برآورده ، بر سر روسیه شوروی و اروپا فرود آمده و با آتش و شمشیر آخرین نشانه های " دموکراسی پوسیده و کمونیسم یهودی " را نابود میکند . این شخص سادیست و نیمه مجنون به تعداد بسیاری عملیات که در شدت قساوت و وحشیگری نظیر نداشت دست زد . در یکی از این موقعیتهای وی به زن یهودی زیبایی در یک شهر کوچک سیبری برخورد و برای کسی که سر زن مزبور را برایش بیایرد هزار روبل جایزه تعیین کرد . سر را به نزد او آوردند و او جایزه را پرداخت نمود .

بارون اونگرن اعلام میکرد که :

" از چوب دارها خیابانی از آسیا تا غرب اروپا برپا خواهم کرد "

در اواخر جنگ 1921 ، بارون اونگرن اعلامیه ای از ستادش در اورگا به مردانش صادر کرد : " مغولستان بصورت نقطه ی شروع نبردی علیه ارتش سرخ در سیبری درآمده است ... کمیسرها ، کمونیستها و یهودیان ، همراه با خانواده هایشان ، بایستی از میان برداشته شوند . اموالشان بایستی مصادره گردد ... احکام مجازات در مورد گناهکاران بایستی یا جنبه انضباطی داشته باشد و یا بصورت درجات مختلف مجازات مرگ باشد . " حقیقت و ترحم " از این به بعد غیر قابل پذیرش است . از این پس " حقیقت و شقاوت " موجود خواهد بود .

این نیروی شیطانی که با هدف نابودی اصول آسمانی در روح بشر ، بر این سر زمین نازل شده ، بایستی از رگ و ریشه برکنده شود " .

در سرزمینهای دور افتاده و وحشی سرحدات روسیه، جنگهای اونگرن به خروج هایی برای غارت گری های راهزانه تبدیل گردید که بدنبال هجومهای خود دهات دود شده و بدنهای مثله شده مردان و زنان و کودکان را بجای میگذاشت. شهرهایی که توسط افراد اونگرن تسخیر میشد عرصه تجاوز و غارت میگردد. کمونیتسها، یهودیان و نیز تمام آنان که بداشتن کوچکترین تمایلات دمکراتیک مورد ظن قرار میگرفتند، تیرباران، شکنجه تا مرگ و یا زنده زنده سوزانده میشدند.

در ژوئیه 1921، ارتش سرخ برای نابودی ارتش اونگرن به پیشروی آغاز کرد و پس از یک سری درگیریهای شدید با همراهی پارتیزانهای شوروی، به پیروزی قاطعی بر آن نائل آمد. وحشیان اونگرن گریخته و بیشتر تفنگها، ترنهای مهمات و زخمیان خویش را در پشت سر رها نمودند. در ماه اوت، خود اونگرن تحت محاصره قرار گرفت. محافظین مغول وی شورش کرده و وی را تحویل سربازان شوروی دادند. بارون در لباس ابریشمی مغولی اش به نوونیکلایفسک (نوسیبیرسک کنونی) آورده شد و به عنوان دشمن خلق به محاکمه علنی در برابر دادگاه عالی سیبری شوروی کشانیده شد. محاکمه مافوق تصویری بود....

" برابر با تصمیم کمیته انقلابی سیبری، بتاريخ 12 سپتامبر 1921، ژنرال بارون فن اونگرن- شترنبرگ، فرمانده سابق لشکر سوار آسیایی، در مقابل دادگاه انقلابی سیبری بموارد زیر متهم میشود:

- 1 - خدمت به اهداف الحاق طلبانه ژاپن در مسیر تلاشهایش برای ایجاد یک دولت آسیایی و سرنگون سازی حکومت ترانس بایکال؛
- 2 - طرحریزی برای سرنگونی اتوریتیه شوروی بغرض احیاء سیستم سلطنتی در سیبری و با هدف نهایی به تخت نشاندن میخائیل رومانف؛
- 3 - کشتار فجیعانه تعداد بیشماری از دهقانان و کارگران روسی و انقلابیون چینی. اونگرن هیچ تلاشی برای نفی این شقاوتهای خود بعمل نیاورد. اعدامها، شکنجه ها و قتل عام ها- آری همه اینها حقیقت داشتند. توضیح وی در این مورد بسیار ساده بود:

" ما در حال جنگ بودیم ! "

اما دست نشانده ژاپن بودن؟

" نظر من این بود که ژاپن را مورد استفاده قرار دهم "

وی داشتن هر گونه روابط خائانه و نزدیک با ژاپنیها را تکذیب نمود. دادستان شوروی یاروسلاوسکی:

" متهم دروغ میگوید. اگر ادعای این را دارد که هیچ گونه رابطه ای با ژاپن نداشته، ما عکس این ادعای او را اثبات خواهیم کرد ! "

بارون تماس با ژاپنیها را تایید کرد، اما باین عنوان که:

" من با ژاپنیها تماس داشتم همان گونه که با چان تسولین (2) تماس داشتم.... چنگیز خان نیز قبل از فتح امپراطوری خویش به وان خاقان اظهار ادب نمود ! "

دادستان شوروی:

" ما در قرن دوازدهم زندگی نمیکنیم و برای محاکمه چنگیز خان هم نیست که در این جا جمع شده ایم ! "

بارون فریاد کشید:

" مدت هزار سال است که اونگرن ها به دیگران فرمان میدهند ! آنان هرگز از کسی دستور دریافت نکرده اند ! "

وی سپس با تفاخر به صورت سربازان، دهقانان و کارگران داخل دادگاه خیره شد.

" من اتوریتیه طبقه کارگر را نمی پذیرم ! چطور مردی که حتی یک مستخدم معمولی در خدمت نداشته، میتواند دم از حکومت بزند؟ این مرد از فرمانروایی قاصر است ! "

دادستان یاروسلاوسکی سپس ، فهرست طولانی جنایات اونگرن را برشمرد : اعزام افرادی برای مجازات یهودیان و دهقانان هوادار شوروی ، قطع دست و پای افراد ، حملات شبانه در طول استپ که در آن از اجساد مشتعل به عنوان مشعل استفاده میشد ، محو روستاها ، کشتار بی رحمانه کودکان

اونگرن با خونسردی جواب داد :

" این افراد سرخ تر از آن بودند که به مذاق من خوش بیاید "

دادستان :

" چرا اورگا را ترک کردید ؟ "

اونگرن :

" تصمیم گرفتم به ترانس بایکالی تجاوز و دهقانان را به انقلاب متقاعد سازم ! اما خود من دستگیر شدم . "

- : " بوسیله کی ؟ "

- : " چند مغول به من خیانت کردند . "

- : " هرگز از خود پرسیده اید که چرا آنها به این عمل دست زدند ؟ "

- : " به من خیانت شد ! "

- : " قبول دارید که نبرد شما به همان سرانجامی رسید که تلاشهای دیگران بر علیه قدرت کارگران ؟ قبول ندارید که از میان این کوششها که هدف مشترکی با شما را دنبال میکرد کوشش شما آخرین آنهاست ؟ "

- : " بله کوشش من آخرین کوشش بوده است . تصور میکنم که من آخرین بازمانده این جریان باشم ! "

در ماه سپتامبر 1921 ، حکم دادگاه شوروی به اجرا درآمد . بارون رومان فن اونگرن - شترنبرگ " آخرین بازمانده " سرگرده های جنگی سفید ، بوسیله گروه تیر ارتش سرخ ، تیرباران گردید .

آتامان سیمیونف و باقیمانده ارتش دست نشانده ژاپن از مرز شوروی گذشته و به مغولستان و چین گریختند . یکسال بیشتر نگذشت تا این که سرانجام خاک شوروی از وجود ژاپنها آزاد گشت . در 19 اکتبر 1922 ، ارتش سرخ ولادی وستک را محاصره نمود . ژاپنهای اشغالگر این شهر تسلیم شده و کلیه انبارهای نظامی خود را تحویل ارتش سرخ دادند . روز بعد وسائل حمل و نقل ژاپن ، آخرین نفرات ژاپنی را از ولادی وستک خارج نمود . پرچم سرخ بر فراز شهر به اهتزاز درآمد .

پس از آن وزارت امور خارجه ژاپن اعلام نمود :

" تصمیم ما دائر بر تخلیه ، به منظور آن بود که نام ژاپن بعنوان ملتی غیر متجاوز که در راه حفظ صلح در جهان تلاش میکند ، ثبت گردد . "

* * * * *

توضیحات :

(1) : هربرت هوور میلیون ها دلار از ذخایر سازمان ریلیف امریکا را در اختیار لهستانیها قرار داد . روز 4 ژانویه 1921 ، سناتور میسوری ، جیمز رید ، سنا را متهم نمود که مبلغ 40 میلیون دلار اعتبارات کنگره برای ریلیف در راه ابقای ارتش لهستان در میدان نبرد خرج شده است . بیشترین پولی که در ایالات متحده برای ریلیف (موسسه خیریه امریکا) در اروپا جمع آوری میشد ، برای حمایت از مداخله علیه شوروی استفاده میشد . خود هوور در گزارش خود به کنگره در ژانویه 1921 این مسئله را روشن ساخت . کنگره در اصل 100 میلیون دلار به ریلیف اختصاص داده بود . گزارش هوور نشان میدهد که تقریباً تمام 94 938 417 دلار در خطه های مجاور روسیه یا در بخشهایی از روسیه که در کنترل ارتشهای سفید و مداخله گران متفق قرار داشت ، خرج شده است .

(2) : " تماش " اونگرن با چان تسولین وزیر جنگ بد نام چین شامل قراردادی میشد که بر اساس آن بارون با ترتیب یک عقب نشینی ساختگی در مقابل نیروهای چان ، ده درصد از ده میلیون دلاری را که چان قرار بود به زور و نیرنگ از حکومت پکن دریافت کند ، برای خود بردارد .

منابع بخش ششم :

مطالب زیادی در مورد جنگ مداخله گرانه علیه روسیه شوروی موجود است . مولفین بطور عمده از منابع زیر استفاده برده اند :

" دخالت مسلحانه در روسیه ، 1918-1922 ، نوشته دابلویو . پی . کوتزوسی . زد . کوتز چاپ لندن 1935 " ؛ " ارتش های سفید روسیه نوشته جرج استوارت " ؛ " نیروهای در حال جنگ در روسیه ، نوشته کاکیتن سرگی ان . کورناکف ، چاپ انترناشیونال پابلیشرز ، نیویورک 1942 " ؛ " تاریخ جنگ داخلی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تالیف و جمع آوری گورکی ، مولوتف ، وروشیلف و دیگران چاپ لورنس و وشارت ، لندن 1937 " ؛ " دخالت در سیبری نوشته و . پارونف ، چاپ ورکرز لبلشرز ، نیویورک 1937 " ؛ " تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی " ؛ " بحران جهانی : پیامد ، نوشته چرچیل ، چاپ نیویورک ، 1922 " ؛ " مقالات راجع به روابط خارجی ایالات متحده ، 1918 ، روسیه جلد 1 و 2 و 3 " .
از میان روایات متعدد شخصی در رابطه با این دوره ، مولفین به منابع زیر مکرراً ، مراجعه نموده اند :

" جنگیدن بدون جنگ ، نقل دخالت های نظامی در روسیه شمالی نوشته رالف آلبرتسون ، چاپ هرکورت براسس ، نیویورک 1920 " ؛ " آرخانگل : جنگ امریکا با روسیه بروایت یک وقایع نگار ، نوشته جان سی . کداهی چاپ جی . سی . شیکاگو 1924 " ؛ و " غروب سرخ و فردا نوشته سرپل دوکز ، چاپ نیویورک 1922 " .
کتاب دیوید فرانسیس " روسیه از دیدگاه سفارت امریکا ، آوریل 1916 تا نوامبر 1918 " . جالب ترین توصیف در مورد اوضاع آرخانگل در اولین روزهای دخالت نظامی ، بدست میدهد . همچنین شهادت فرانسیس در مقابل سوکمیته سنای امریکا در سال 1919 که مشغول بررسی در مورد " تبلیغات آلمانی و بلشویکی " بوده است .
کتاب ژنرال گریوز " ماجرای امریکایی در سیبری ، 1918-1920 " منبعی ضروری از مطالب در مورد دخالت در روسیه می باشد .
شخصیت نیروهای ضد انقلابی گارد سفید در شرق روسیه و شکل جنگهایشان با کیفیتی ناظر مآبانه در کتاب ولادیمیر پوزنر " بارون خونین ، داستان بارون فن اونگرن شترنبرگ چاپ راندام هوز نیویورک 1936 " توصیف شده است .